



Ministry of Education
Islamic Republic of IRAN

ISSN:
1235-1735

Quarterly Journal of

Educational Innovations



Organization for Educational
Research and Planning

Abstract

A phenomenological study of the obstacles to successful implementation of formal technical and vocational education curriculum with respect to the lived experiences of technical teachers*

- Ali Shahraki, PhD Candidate University of Isfahan, Isfahan, Iran¹
- Mohammad javād Liāghatdār (PhD), University of Isfahan, Isfahan, Iran²
- Ahmadrezā Nasr Esfahāni (PhD), University of Isfahan, Isfahan, Iran³
- Ali Asghar Khallāghi (PhD), Shahid Rajāee Teacher Training University, Tehran, Iran⁴

This study seeks to analyze the most important obstacles to the successful implementation of the formal technical and vocational education curriculum based on the lived experiences of technical teachers with a background in vocational school training. According to its purpose and nature, this study was a qualitative research with phenomenological design. Data was collected according to the principle of theoretical saturation through semi-structured interview with 18 technical teachers in vocational schools who were selected by purposive sampling. Colaizzi's seven-step method was used to analyze the data. Data analysis indicated that the most important obstacles to the successful implementation of formal technical and vocational education curriculum are in three general themes: technical barriers (inadequate academic guidance, lack of specialized personnel, lack of technical teachers' empowerment, unbalanced distribution of courses, old vocational school space and equipment, and lack of support from technical teachers), political barriers (legal barriers, lack of financial resources, unprofessional decision-making, lack of connection to the labor market, and lack of support from the other organizations), and cultural barriers (lack of cultural contextualization and the presence of a negative attitude).

Keywords

Technical and Vocational Education, Curriculum, Phenomenology, Qualitative Study

*This paper has been extracted from a PhD thesis on "Comparative study of factors influential on the implementation of technical and vocational education curriculum in the selected countries in order to provide a suitable model" which has been conducted in the University of Isfahan.

E-mail: 1. shahraki.ali@gmail.com 2. javad@edu.ui.ac.ir (Corresponding Author) 3. arnasr@edu.ui.ac.ir
4. khallaghali@gmail.com

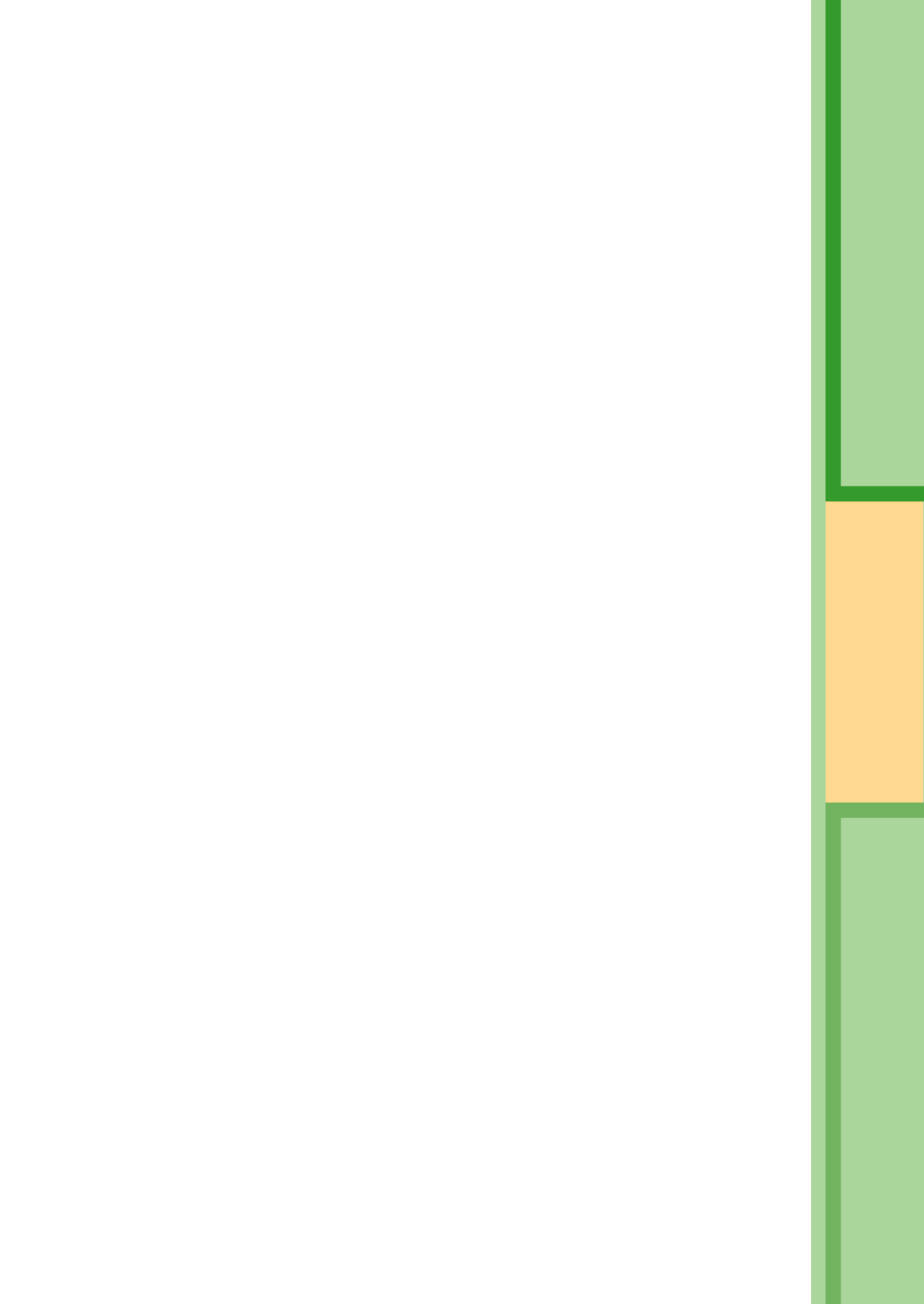
Serial No.88. 22(3): Winter. 2023
Quarterly Journal of Educational Innovations



Published by Tehran University of Medical Sciences

Copyright © The Authors.

This work is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International license (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/>). Non-commercial uses of the work are permitted, provided the original work is properly cited.



مطالعه پدیدارشناسانه موانع اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی با تمرکز بر تجارب زیسته هنرآموزان

■ علی شهرکی* ■ محمد جواد لیاقت دار** ■ احمد رضا نصرافهانی*** ■ علی اصغر خلایقی****

چکیده:

پژوهش حاضر، به واکاوی مهم‌ترین موانع اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی با استناد به تجارب زیسته هنرآموزان با سابقه هنرستان‌ها پرداخته است. روش پژوهش کیفی و از نوع پدیدارشناسی است. داده‌های تحقیق با رعایت اصل اشباع نظری از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با ۱۸ هنرآموز شاغل در هنرستان‌ها جمع‌آوری شد. هنرآموزها با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش هفت‌مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. واکاوی داده‌ها نشان داد مهم‌ترین موانع مرتبط با اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی در سه مضمون کلی قابل‌انتزاع است: موانع فنی (هدایت تحصیلی نامناسب، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان توانمندسازی هنرآموزان، توزیع نامتوازن رشته‌ها، فضا و تجهیزات قدیمی و فقدان حمایت از هنرجویان) و موانع سیاسی (موانع قانونی، کمبود منابع مالی، تصمیم‌گیری غیرتخصصی، ارتباط نداشتن با بازار کار و نبود پشتیبانی سایر سازمان‌ها) و موانع فرهنگی (فقدان بسترسازی فرهنگی و نگرش منفی).

آموزش فنی و حرفه‌ای، برنامه درسی، پدیدارشناسی، مطالعه کیفی

کلید واژه‌ها:

□ تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۳/۸ □ تاریخ شروع بررسی: ۱۴۰۱/۵/۱۰ □ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۲/۱/۲۹

* دانشجوی دکترا گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. E-mail: shahraki.ali@gmail.com
 ** (نویسنده مسئول) استاد علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان. E-mail: javad@edu.ui.ac.ir
 *** استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. E-mail: arnasr@edu.ui.ac.ir
 **** استادیار گروه علوم تربیتی، دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی، تهران، ایران. E-mail: khallaghali@gmail.com

□ این مقاله مستخرج از پایان‌نامه دکتری دانشگاه اصفهان با عنوان «بررسی تطبیقی عوامل مؤثر در اجرای برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای در کشورهای منتخب به منظور ارائه الگوی مطلوب است».

مقدمه

محور توسعه اقتصادی کشورها نیروی کار ماهر است و وظیفه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای نیز تربیت نیروی کار ماهر است. در کشورهای توسعه‌یافته، سرمایه‌گذاری در بخش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در اولویت هزینه‌های دولت‌هاست. بنابراین، آموزش و پرورش در جایگاه بزرگ‌ترین ارائه‌دهنده آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی مسئولیت تربیت نیروی کار ماهر آینده کشور را بر عهده دارد. بر این اساس، آموزش فنی و حرفه‌ای مجموعه‌ای از آموزش‌های علمی و عملی است که هدفش فراهم کردن شرایط لازم برای کسب دانش و پیدایش نگرش و رشد مهارت‌های هنرجویان^۱ به منظور احراز شغل یا ارتقای مهارت است (امامی و سعیدی، ۱۳۸۶).

ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با توسعه اقتصادی از طریق تشکیل سرمایه انسانی، شتاب‌دهی به تولید، اشتغال و مقابله با بی‌کاری، کارآفرینی و اقتصاد دانش‌محور است. همچنین، این آموزش‌ها به دلیل توأم بودن آموزش‌های نظری و عملی توانایی زیادی در تربیت کارگر دانش‌محور^۲ دارد. در نتیجه، فراگیر با تغییرات سریع بازار کار هماهنگ می‌شود و فرصت‌های بیشتری برای جذب در فعالیت‌های اقتصادی - اجتماعی به دست می‌آورد.

ارائه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدارس از جنبه‌های گوناگون مهم است. در بیشتر کشورها دانش‌آموزانی که به هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای می‌روند مهارت‌های اصلی را فرامی‌گیرند که در نهایت مسیر شغلی آن‌ها را تعیین می‌کند. آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی علاوه بر آموزش عمومی دربرگیرنده فناوری‌ها و کسب نگرش‌ها و مهارت‌های عملی است که با حرفه‌ها در بخش‌های گوناگون اقتصادی از قبیل صنعت، خدمات، کشاورزی و نیز زندگی اجتماعی مرتبط است. همچنین دانش‌آموزان را برای احراز شغل یا ادامه تحصیل در رشته‌های فنی و مهندسی یا رشته‌های علمی کاربردی آماده می‌سازند (شریف‌زاده، ۱۳۹۲).

از منظری دیگر، برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای در مدارس عدالت آموزشی به همراه می‌آورد؛ زیرا دانش‌آموزانی که قصد ترک تحصیل دارند یا انگیزه‌ای برای ادامه تحصیل ندارند از میان رشته‌های متعدد فنی و حرفه‌ای علائق خود را دنبال می‌کنند (کاووسی، ۱۳۹۶). از اهداف آموزش فنی و حرفه‌ای گذار موفقیت‌آمیز دانش‌آموزان از محیط مدرسه به بازار کار است که پژوهشگران متعددی مشکلات آن را بررسی کرده و راهکارهایی ارائه داده‌اند (جلیلیان و همکاران، ۱۳۹۶؛ متین، ۱۳۸۹؛ حسینی، ۱۳۸۶). پژوهش‌های متعددی نشان می‌دهند آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی در دستیابی به اهداف پیش‌بینی‌شده موفق نبوده‌اند (متین، ۱۳۸۹؛ نفیسی، ۱۳۹۰؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۱؛ عبداللهی، ۱۳۹۵). از یک طرف، تغییرات در شاخص‌های کلان اقتصادی مانند نرخ رشد اقتصادی و تورم یا تولید ناخالص داخلی و از طرف دیگر، رشد سریع فناوری موجب ناپایداری در نظام کار و اشتغال شده است. از این روی، هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای همواره با مسائل اقتصادی و فرهنگی روبه‌رو هستند. از جمله مسائل فرهنگی

نگاهی دسته دوم به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای است (نویدی، ۱۳۸۸). بر مبنای تجربه نگارنده، که سال‌ها در هنرستان‌ها تدریس کرده است، قرارداد رسته‌های فنی و حرفه‌ای در انتهای فهرست هدایت تحصیلی دانش‌آموزان متوسطه اول و اجباری بودن انتخاب این رشته‌ها برای دانش‌آموزانی که امتیاز رشته‌های نظری را کسب نکرده‌اند، باعث نگرشی منفی به رشته‌های فنی و حرفه‌ای در جامعه شده است. از این رو، در بیشتر دانش‌آموزان و والدین باوری شکل گرفته که هنرستان جای دانش‌آموزان ضعیف است. علاوه بر این، این باور در میان مسئولان امر و مدیران و معلمان هنرستان‌ها نیز ریشه دوانده است. همچنین، بی‌علاقه و بی‌انگیزه بودن دانش‌آموزان و تأکید بر آمار کم پذیرفته‌شدگان آموزش عالی هنرستان‌ها از دیگر مسائل فرهنگی و اجتماعی هنرستان‌هاست.

از جمله مشکلات فنی و اقتصادی، که هنرستان‌ها با آن مواجه‌اند، عبارت‌اند از: بی‌توجهی به نیازهای محلی و منطقه‌ای، فقدان نیازسنجی دقیق بازار کار، نبود ارتباط مؤثر میان آموزش فنی و حرفه‌ای و صنعت، فقدان تجهیزات مناسب، توزیع نامناسب رشته‌های فنی در کشور و اجرانشدن دقیق سیاست‌های مصوب در مورد آموزش‌های فنی و حرفه‌ای (عبداللهی، ۱۳۹۵).

از زمان تأسیس دارالفنون در سال ۱۲۳۰ شمسی به‌منزله نقطه شروع رسمی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در ایران (مرجانی، ۱۳۷۳) تا به امروز نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای بارها دستخوش تغییر شده است. دلیل هر سه تغییر نظام آموزشی ایران (۱۳۴۶، ۱۳۶۹، ۱۳۹۰) توسعه اقتصادی و رفع نیازهای بازار کار بوده است، اما شواهد فراوانی نشان می‌دهند هنوز روش‌های مؤثری برای برقراری ارتباط میان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار وجود ندارد و بسیاری از فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای در بازار کار بی‌کار مانده یا در مشاغل غیرمرتبط با رشته خود جذب شده‌اند (عبداللهی، ۱۳۹۵؛ نفیسی، ۱۳۹۰).

بررسی پایگاه‌های علمی نشان می‌دهد پژوهش‌های معدودی در زمینه موانع و عوامل اجرای موفق برنامه درسی فنی و حرفه‌ای رسمی انجام شده است. برای نمونه رضازاده (۱۳۸۶) در مطالعه‌ای با عنوان «شناسایی موانع مشارکت بخش خصوصی در فعالیت‌های آموزش فنی و حرفه‌ای آموزش و پرورش استان خوزستان» سه عامل اصلی را جزو موانع مشارکت بخش خصوصی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شناسایی می‌کند: ۱. کمبود منابع مالی و امکانات؛ ۲. نبود نیروی انسانی متخصص و ماهر؛ ۳. نبود همکاری و ارتباط بین سازمان‌ها و نهادهای بخش خصوصی.

قهرمان (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی وضعیت موجود هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کاردانش و مقایسه آن با استانداردها در استان خراسان رضوی» نتیجه می‌گیرد حدود ۶۴ درصد از فضای آموزش کارگاهی در سطح غیراستاندارد است و باید برای ارتقای وضعیت موجود در اولویت قرار گیرد.

شریعت‌زاده (۱۳۹۱) در تحقیق خود با عنوان «چالش‌ها و نارسایی‌های ناظر بر گذار دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار در ایران» دلایل موفق نبودن فارغ‌التحصیلان فنی و حرفه‌ای را در بازار کار بررسی می‌کند. یافته‌های پژوهش او نشان می‌دهد گذار دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار با دو دسته مسائل

مرتبط با درون و بیرون آموزش و پرورش مواجه است. مسائل درونی شامل ناکارآمدی آموزش عمومی در پرورش شایستگی‌های اصلی، پایین بودن اثربخشی برنامه‌های مهارت‌آموزی، کارورزی و ضعف برنامه‌های هدایت تحصیلی و مسائل بیرونی شامل نامتعادل بودن نظام عرضه و تقاضای نیروی کار، شفاف نبودن نیازهای بازار کار، ساختار نامتوازن هرم نیروی انسانی در بازار کار و مناسب نبودن فضای کسب و کار است. محقق برای تعدیل این مسائل و نارسایی‌ها پیشنهادهایی ارائه می‌دهد: تقویت فرایند هدایت تحصیلی، همکاری نهادها و سازمان‌های خارج با نظام آموزش و پرورش، انجام دادن دوره کارورزی در محیط کار واقعی و توسعه مراکز کاربایی.

انصاری پور (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «نظام آموزش فنی و حرفه‌ای موفق» اصول شش‌گانه مؤثر در نظام آموزشی فنی و حرفه‌ای را معرفی می‌کند. این اصول عبارت‌اند از: ارتباط با بازار کار (نیازها و انتظارات کارفرما)، دسترسی به آموزش دیده‌ها، کیفیت ارائه، دربرگیری مهارت‌های ساده، استانداردسازی و سرمایه‌گذاری بی‌خطر و پیوسته. به باور محقق آموزش برای بازار کار فرایندی پویاست که به همکاری و هم‌فکری با کارفرمایان نیازمند است تا با شناخت نیازهای آموزشی مطالبات بازار کار برآورده شود.

کاووسی (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان «فرصت‌ها و تهدیدها در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای» به عوامل اجتماعی و اقتصادی و نقش دولت در موفقیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای اشاره می‌کند. همچنین بعضی از عوامل مؤثر در اجرای موفق آموزش فنی و حرفه‌ای را نام می‌برد: تغییر در سیاست‌های کلان کشور و جهت‌گیری آن به سمت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اقبال و حساسیت عامه مردم برای تعلیم و تربیت شایسته فرزندان خود، وجود نیروهای متخصص و متعهد به‌منزله سرمایه‌های انسانی، نزدیکی به کارخانه‌ها و شهرک‌های صنعتی و کارگاه‌های متنوع، وجود قوانین و مقررات مربوط به آموزش و پرورش، توجه به جنبه‌های علمی پژوهشی و گرایش به مدیریت علمی در آموزش و پرورش، وجود زمینه‌های مناسب مشارکت بخش غیردولتی و سایر دستگاه‌های دولتی در پذیرش هنرجو و تنوع بسیار در بافت فرهنگی برای پذیرش رشته‌های گوناگون مهارتی.

شریعتی و همکاران (۱۳۹۸) پژوهشی با عنوان «ارائه مدلی جهت بهبود کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای: با توجه به الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش» و با هدف طراحی مدل ارتقای کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای انجام داده‌اند. در این پژوهش کیفی که از رویکرد نظریه داده‌بنیاد استفاده شده است، شرایط علی (شایستگی‌های حرفه‌ای معلمان، عوامل مدیریتی، عوامل آموزشی)، زمینه‌ای (بسترسازی فرهنگی و بسترسازی اقتصادی)، مداخله‌گر (عوامل بین‌المللی و عوامل فناورانه)، راهبردها (برون‌سپاری، توانمندسازی توسعه و گسترش فناوری اطلاعات و ارتباطات، سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی آموزشی) و پیامدها (رشد اقتصادی، بهبود عوامل آموزشی و توسعه اجتماعی) شناسایی شد.

در میان پژوهش‌های خارجی، هابرت ایسر^۳ (۲۰۱۲) مطالعه‌ای را با هدف شناسایی عوامل موفقیت برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای کشور آلمان انجام داد و عوامل تأثیرگذار در موفقیت برنامه‌های فنی و حرفه‌ای

را نام برد: ساختار ورودی، همکاری با جامعه کسب و کار، یادگیری در فرایند کار، پذیرش اجتماعی استانداردها، آموزش کارکنان فنی و حرفه‌ای و تحقیقات نهادینه.

تیتاس و اکورافور^۴ (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان «رویکردهای جدید برای توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به منظور بهبود قابلیت‌های نیروی کار»، توسعه برنامه‌های آموزش فنی و حرفه‌ای را در قاره آفریقا (به‌ویژه در نیجریه) بررسی کردند و نتیجه گرفتند استفاده از برنامه‌های درسی فنی و حرفه‌ای اروپا محور پاسخ‌گوی نیازها و آرزوهای جامعه آفریقا نیست. از این رو، پیشنهاد کردند برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای باید بومی شود و ملاحظاتی در آن رعایت شود: تعامل بین مؤسسات آموزش فنی و حرفه‌ای با صنایع، تطبیق به‌جای تصویب برنامه درسی خارجی، اصلاح نگرش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، گنجاندن مهارت‌های نرم مانند فناوری اطلاعات، گسترش دسترسی و فرصت برابر به برنامه‌های فنی و حرفه‌ای و اصلاح دوباره برنامه‌های آموزش معلمان فنی و حرفه‌ای.

کلارک^۵ (۲۰۱۲) با ارزیابی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدارس استرالیا برای داشتن آموزش حرفه‌ای اثربخش در مدارس هفت پیشنهاد ارائه می‌دهد: ۱. مقاصد روشن آموزش حرفه‌ای؛ ۲. ارائه گواهینامه‌های بالاتر از سطح دو در مدارس؛ ۳. گسترش مسیرهای آموزشی مبتنی بر اشتغال؛ ۴. مشاوره‌های شغلی برای حمایت از مسیرهای حرفه‌ای؛ ۵. ارزش آموزش حرفه‌ای در گواهینامه‌های متوسطه دوم؛ ۶. رویکرد نظام‌مند همکاری با صنعت؛ ۷. حرکت از موقعیت‌های کاری به یادگیری محیط کار.

پولسل^۶ و همکاران (۲۰۱۹) در گزارشی که در مرکز سیاست‌های حرفه‌ای و آموزشی در دانشگاه ملیبورن انجام داده‌اند بهترین شیوه‌های ممکن برای ارائه آموزش حرفه‌ای در مدارس را شناسایی کردند و توصیه‌هایی را ارائه دادند. در این پژوهش، معیارهای اثربخشی برنامه آموزش حرفه‌ای در سه طبقه قرار می‌گیرد: ۱. دسترسی و مشارکت؛ ۲. ارتباط با صنعت؛ ۳. کیفیت. معیار دسترسی و مشارکت به ثبت نام دانش‌آموزان در دوره‌های آموزش حرفه‌ای بدون تأثیر منفی در اخذ گواهینامه متوسطه توجه می‌کند. معیار ارتباط با صنعت به سه موضوع پاسخ به نیازهای بازار کار، عنصر یادگیری ساختارمند محیط کار و پیوند قوی بین مدارس و کارفرمایان و سایر ذی‌نفعان در سطح ملی می‌پردازد و در نهایت معیار کیفیت به حق برخورداری آموزش حرفه‌ای با کیفیت و بازبینی منظم محتوای دوره‌ها اشاره می‌کند.

روسو و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با هدف شناسایی عوامل مؤثر در نگرش مثبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدارس به سه عامل مهم دست یافتند. اول کیفیت عالی آموزش و نتایج خوب گذار به دنیای کار، دوم اعتقاد به اینکه فارغ‌التحصیلان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بیشتر از همتایان خود در آموزش عمومی شغل پیدا می‌کنند و سوم تجربه قبلی در زمینه آموزش‌های فنی که احتمالاً نگرش مثبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدارس را افزایش می‌دهد.

برون^۷ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان «یکپارچه‌سازی آموزش فنی و حرفه‌ای برای دانش‌آموزان دوره متوسطه» چهار مؤلفه اساسی را مشخص می‌کند: شفافیت هدف، همکاری بین ذی‌نفعان

آموزش حرفه‌ای، اطمینان از کیفیت آموزش‌های ارائه‌شده برای دانش‌آموزان متوسطه و عملکرد مؤثر سیستم‌های زیربنایی.

مروری بر پیشینه پژوهشی داخلی و خارجی موضوع تحقیق نشان می‌دهد پژوهشگران اجرای موفق آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای را وابسته به این عوامل می‌دانند: منابع مالی کافی، مشارکت بخش خصوصی، فضای آموزشی استاندارد، ارتباط با بازار کار، جهت‌گیری‌های کلان سیاسی، توجه به بافت فرهنگی در پذیرش رشته‌های فن‌ی، توانمندسازی معلمان، بسترسازی فرهنگی، یادگیری در فرایند کار، بومی‌سازی آموزش‌های فن‌وحرفه‌ای، مشاوره‌های شغلی، پیوند میان مدارس و کارفرمایان و نگرش مثبت جامعه.

علاوه‌براین، پژوهش‌های داخلی و خارجی نشان می‌دهند در این مطالعات از تجربه‌های هنرآموزان (معلمان فن‌ی) هنرستان‌ها استفاده نشده است. در صورتی که تجربه زیسته هنرآموزان از طریق سال‌ها تدریس در برنامه درسی فن‌وحرفه‌ای مدارس به‌دست آمده است و از آنجا که آن‌ها از نزدیک پیامد تغییرهای متعدد این برنامه درسی را مشاهده کرده‌اند، بهترین افراد برای شناسایی موانع اجرای موفق برنامه درسی فن‌وحرفه‌ای هستند. بنابراین، این پژوهش موانع اجرای موفق برنامه درسی فن‌وحرفه‌ای رسمی را با استفاده از تجربه‌های زیسته هنرآموزان بررسی می‌کند.

■ روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی است؛ زیرا نتایج آن برای رفع موانع اجرای موفق برنامه درسی فن‌وحرفه‌ای رسمی به متولیان امر کمک خواهد کرد. این پژوهش با روش کیفی و از نوع پدیدارشناسی انجام شده است. پدیدارشناسی ریشه در اندیشه فلسفی ادموند هوسرل دارد. هوسرل معتقد بود نقطه آغاز دانش در تجربه درونی فرد از پدیده‌هاست که شامل احساسات، ادراکات و تصوراتی است که به‌هنگام توجه عمیق بر هر شیء در آگاهی آشکار می‌شود (هوسرل، ۱۹۷۰). داده‌های پژوهش از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌ای متشکل از هجده هنرآموز - که با روش نمونه‌گیری هدفمند و روش گلوله برفی انتخاب شدند - به‌دست آمدند (جدول ۱). از ملاک‌های انتخاب مصاحبه‌شوندگان، دست‌کم بیست سال تجربه کاری و آثار پژوهشی و تألیف‌هایی در زمینه آموزش فن‌وحرفه‌ای بود. مصاحبه‌شوندگان از سه استان اصفهان و سیستان و بلوچستان و خراسان رضوی انتخاب شدند. علت استفاده از این سه استان توجه به میزان برخورداری آن‌ها از منابع و امکانات بود. استان اصفهان در جایگاه استان برخوردار و استان خراسان رضوی در جایگاه استان نیمه‌برخوردار و استان سیستان و بلوچستان در جایگاه استان کم‌برخوردار انتخاب شده‌اند. مصاحبه‌ها تا زمان اشباع نظری ادامه یافتند. مقصود از اشباع نظری مرحله‌ای است که در آن داده‌های جدیدی در ارتباط با مقوله‌ها پدید نیاید و روابط بین این مقوله‌ها برقرار و تأیید شده باشد (دانایی‌فرد و همکاران، ۱۳۹۸).

جدول ۱. برخی از ویژگی‌های مصاحبه‌شوندگان

کد هنرآموز	جنسیت	سابقه کاری	تحصیلات	استان محل خدمت
۱	مرد	۲۷	کارشناسی	خراسان رضوی
۲	زن	۲۵	کارشناسی ارشد	خراسان رضوی
۳	مرد	۲۸	کارشناسی	خراسان رضوی
۴	مرد	۲۷	کارشناسی	خراسان رضوی
۵	زن	۲۴	کارشناسی ارشد	خراسان رضوی
۶	مرد	۲۵	کارشناسی ارشد	خراسان رضوی
۷	زن	۳۰	کارشناسی	سیستان و بلوچستان
۸	زن	۲۳	کارشناسی ارشد	سیستان و بلوچستان
۹	مرد	۲۵	کارشناسی ارشد	سیستان و بلوچستان
۱۰	زن	۲۶	کارشناسی	سیستان و بلوچستان
۱۱	مرد	۲۸	کارشناسی	سیستان و بلوچستان
۱۲	مرد	۲۶	کارشناسی	سیستان و بلوچستان
۱۳	زن	۲۴	کارشناسی	اصفهان
۱۴	مرد	۲۶	کارشناسی	اصفهان
۱۵	زن	۲۶	کارشناسی ارشد	اصفهان
۱۶	مرد	۲۸	کارشناسی	اصفهان
۱۷	مرد	۲۵	کارشناسی ارشد	اصفهان
۱۸	مرد	۲۷	کارشناسی ارشد	اصفهان

ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش، مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود. گال^۸ و همکاران (۱۳۹۶) بر این باورند داده‌های به‌دست‌آمده از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته در مقایسه با داده‌های سایر مصاحبه‌ها از عمق بیشتری برخوردار است. قبل از انجام مصاحبه‌ها، اهداف پژوهش برای مصاحبه‌شوندگان تشریح شد و با اطمینان از محرمانه‌بودن اطلاعات مصاحبه و آزادبودن برای خروج از مصاحبه در هر زمانی اعتماد آن‌ها جلب شد. مصاحبه با سؤالات نیمه‌باز در محیطی آرام و خصوصی و در مدت ۴۰ تا ۵۰ دقیقه انجام شد.

پس از انجام مصاحبه‌ها، مکالمه‌های ضبط‌شده به متن‌های نوشتاری تحریر و محتوای آن تجزیه و تحلیل شد. عبارت‌های اصلی مرتبط با موضوع (موانع اجرای برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای) با استفاده از راهبرد مطالعه جمله به جمله داده‌های جمع‌آوری شده شناسایی و کدگذاری شدند و مفاهیم مرتبط با آن‌ها با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا^{۱۱} استخراج شد. همچنین برای تحقق این امر و تدوین مقوله‌ها از روش هفت مرحله‌ای کلایزی^{۱۱} به شرح زیر استفاده شد که در تحقیقات پدیدارشناسی کاربرد دارد (مارو^{۱۲} و همکاران، ۲۰۱۵):

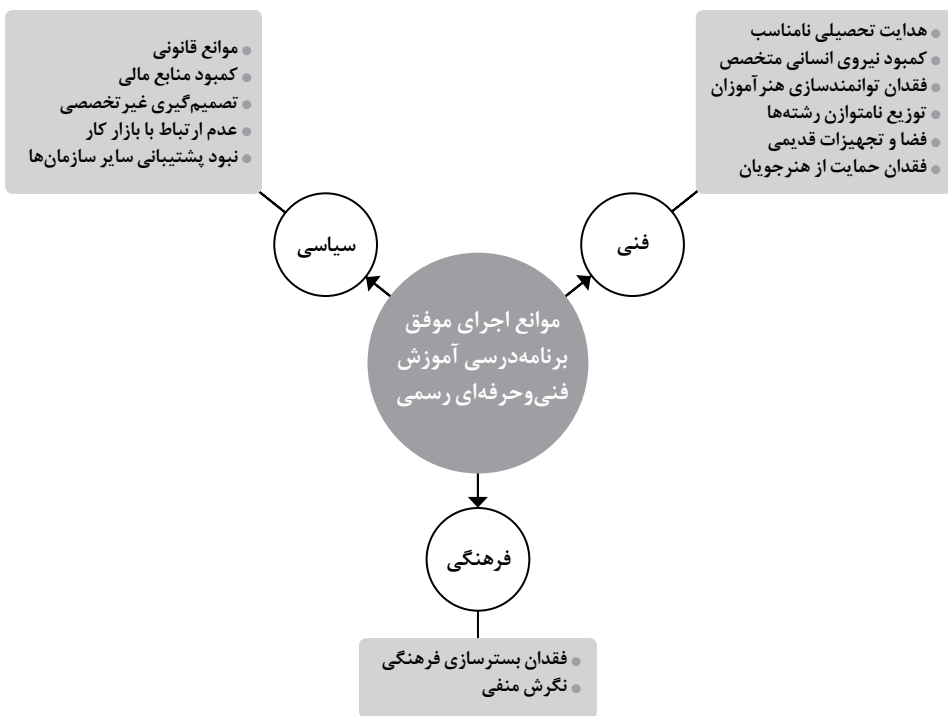
۱. آشناسازی (شناخت پژوهشگر از داده‌ها)؛
۲. شناسایی جمله‌های مهم (مرتبط با پدیده)؛
۳. صورت‌بندی معنی‌ها (ارزیابی عبارت‌های مهم به منظور شناسایی معنی‌ها مرتبط با پدیده)؛
۴. دسته‌بندی مضمون‌ها (برای بازنمایی تمام جنبه‌های پدیده)؛
۵. تدوین توصیفی جامع؛
۶. تولید ساختار بنیادی (شامل تمام چیزهایی که پژوهشگر به پدیده مرتبط می‌داند)؛
۷. گرفتن تأیید (مراجعه دوباره به مصاحبه‌شوندگان برای تأیید ایده‌ها).

به منظور تعیین پایایی^{۱۳} و روایی^{۱۴} داده‌ها از چهار معیار لینکلن و گوبا^{۱۵} (۱۹۸۵) یعنی اعتبار^{۱۶}، قابلیت اطمینان^{۱۷}، تأییدپذیری و انتقال‌پذیری استفاده شد. گفتنی است درگیری طولانی مدت پژوهشگر و تعامل مناسب با مشارکت‌کنندگان و بررسی داده‌ها با همکاری مشارکت‌کنندگان به افزایش اعتبار داده‌ها کمک کرد. قابلیت اطمینان با استفاده از نظر استادان راهنما و مطالعه دوباره کل داده‌ها امکان‌پذیر شد. مقایسه یافته‌ها با پیشینه پژوهش و استناد به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها به تأییدپذیری داده‌ها منجر شد. همچنین انتقال‌پذیری از طریق ارائه نقل قول‌های مستقیم و تبیین غنی داده‌ها و مشورت علمی با اساتید صاحب نظر فراهم شد

■ یافته‌ها

در فرایند کدگذاری محتوای مصاحبه‌ها، بعضی از کدها یا مفاهیم مستقیماً از گفته‌های هنرآموزان گرفته شده است و برخی دیگر با توجه به مبانی نظری و پیشینه پژوهش پژوهشگران انتخاب شدند. ابتدا با تعمق در متن مصاحبه‌ها و ادغام موارد مشابه، سیزده مفهوم اساسی شناسایی شدند که بر مبنای آن‌ها موانع اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی توضیح داده شد. این سیزده مفهوم عبارت‌اند از: فقدان بسترسازی فرهنگی، نگرش منفی، هدایت تحصیلی نامناسب، موانع قانونی، کمبود منابع مالی و نبود ارتباط با بازار کار. در گام بعدی، محققان با تأمل و ژرفاندیشی بر روی مفاهیم مذکور توانستند همه تجربه‌های هنرآموزان را در سه موضوع اصلی یعنی موانع فنی و سیاسی و فرهنگی طبقه‌بندی کنند که به نوعی از پوشش مفهومی لازم برخوردار است. موانع سیاسی مسائل مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان در زمینه برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای را دربر می‌گیرند. در موانع فرهنگی دیدگاه جامعه و خانواده‌ها به آموزش فنی و حرفه‌ای بررسی می‌شود و در موانع

فنی به موضوع‌های مربوط به مشکلات و موانع درون هنرستان‌ها توجه می‌شود. شکل ۱ ساختار مبنایی حاصل از تحلیل داده‌های پژوهش را نشان می‌دهد که در ادامه هر طبقه تحلیل و تبیین می‌شود.



شکل ۱. موانع اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی

۱. موانع فنی

در موانع فنی به نقش مسائلی در داخل هنرستان‌ها توجه می‌شود که مانع اجرای موفق برنامه درسی فنی و حرفه‌ای است. این موانع بدین‌قرارند: هدایت تحصیلی نامناسب، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان توانمندسازی هنرآموزان، توزیع نامتوازن رشته‌ها، فضا و تجهیزات قدیمی و فقدان حمایت از هنرجویان. در ادامه توضیحاتی درباره هر یک ارائه می‌شود.

۱-۱. **هدایت تحصیلی نامناسب:** منظور از هدایت تحصیلی انتخاب رشته تحصیلی مقطع متوسطه دوم دانش‌آموزان در پایه نهم است. در حال حاضر، انتخاب رشته در فرایند هدایت تحصیلی براساس معدل دانش‌آموزان انجام می‌شود و توانمندی‌های دانش‌آموزان در انجام فعالیت‌های فنی نادیده گرفته می‌شود. در این خصوص، هنرآموز شماره نه با اشاره به لطمه دیدن شخصیت دانش‌آموز در فرایند هدایت تحصیلی فعلی بیان می‌کند: «انتخاب رشته در پایه نهم به‌گونه‌ای است که رشته‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش در

انتهای لیست قرار دارند. یعنی اگر دانش‌آموزی نمره لازم رشته‌های نظری را کسب نکرد، به اجبار او را به هنرستان می‌فرستند. این نگرش به شخصیت دانش‌آموز صدمه می‌زند.» همچنین هنرآموز شماره ۱۴ می‌گوید: «هدایت تحصیلی فعلی براساس معدل است. اگر معدل دانش‌آموز پایین باشد او را به هنرستان می‌فرستند. هنرجو هم به این باور رسیده که در نهایت یک کارگر ساده خواهد شد و امکان ادامه تحصیل برایش میسر نیست.» هنرآموز شماره ۵ بر نبود انتخاب آزاد در هدایت تحصیلی تأکید می‌کند: «انتخاب آزادانه در هدایت تحصیلی دانش‌آموزان وجود ندارد. حتی اگر دانش‌آموزی به رشته فنی علاقه‌مند باشد، طبقه‌بندی کردن دانش‌آموزان به ضعیف و قوی باعث می‌شود از رفتن به هنرستان منصرف شود.» همچنین، هنرآموز شماره هفت با انتقاد از غربال کردن دانش‌آموزان در هدایت تحصیلی می‌گوید: «ما دانش‌آموزان را غربال می‌کنیم. دانش‌آموزان باهوش‌تر را به مدارس خاص مثل تیزهوشان و نمونه هدایت می‌کنیم و همه دانش‌آموزان ضعیف را یک جا می‌فرستیم. در نتیجه هیچ انگیزه‌ای برای این دانش‌آموزان باقی نمی‌ماند. ضمن اینکه در فهم مبانی نظری موضوعات فنی بسیار ضعیف هستند.»

در کنار هدایت تحصیلی نامناسب، استعدادیابی نکردن دانش‌آموزان در خود هنرستان‌ها هم مشکلات را دوچندان کرده است. از این رو، هنرآموز شماره ۲ در این زمینه معتقد است: «متأسفانه مدیر هنرستان اغلب دانش‌آموزان را به رشته‌های هدایت می‌کند که هنوز پیر نشده است. دانش‌آموز بعد از یک سال یا دو سال می‌فهمد که هیچ علاقه‌ای به این رشته ندارد.» همچنین هنرآموز شماره ۱۶ هم بی‌توجهی به استعدادها و مختلف دانش‌آموزان را این‌گونه نقل می‌کند: «مشاوران در انجام هدایت تحصیلی فقط به توان ذهنی دانش‌آموزان توجه دارند. در حالی که برخی دانش‌آموزان در مهارت‌های دستی توانا هستند یا برخی ایده‌پرداز خوبی هستند. اما متأسفانه به این قبیل استعدادها در هدایت تحصیلی بها داده نمی‌شود.»

۲-۱. کمبود نیروی انسانی متخصص: تغییرات نظام آموزشی و اضافه شدن یک پایه تحصیلی جدید به شاخه فنی و حرفه‌ای در نظام ۳-۶ موجب کمبود هنرآموز ماهر در هنرستان‌ها شده است. از این رو، برخی مدیران هنرستان‌ها ناگزیرند از نیروی غیرفنی برای تدریس دروس فنی استفاده کنند. هنرآموز شماره ۳ دلیل موفق نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را در استفاده از نیروهای غیرفنی در هنرستان می‌داند و می‌گوید: «وقتی پایه دوازدهم به هنرستان اضافه شد، دانش‌آموزان ما افزایش یافت. اما نیروی فنی جدیدی استخدام نشد. بنابراین، ما مجبور شدیم که از سرپرستان بخش که وظیفه‌شان سرپا نگه داشتن کارگاه است استفاده کنیم که به هم ریختگی کارگاه‌ها و از بین رفتن دستگاه‌ها را به دنبال داشت.» همچنین، هنرآموز شماره پنج هم در این زمینه می‌گوید: «به دلیل کمبود نیروی تدریس، در بعضی از دروس تخصصی از معاونین استفاده کردیم. در حالی که تخصصی هم در رشته تدریس نداشتند. اما چاره‌ای نبود.» هنرآموز شماره ۱۱ هم به کمبود هنرآموز در شهرهای کوچک اشاره می‌کند: «از لحاظ سیستم اداری الزاماً باید تحصیلات هنرآموز با رشته تدریس مرتبط باشد که در شهرهای بزرگ به علت برخورداری از نیروهای فنی زیاد این اتفاق می‌افتد. اما در شهرهای کوچک به دلیل کمبود هنرآموز دچار

مشکل می‌شویم».

علاوه بر این، هنرآموز شماره ۱۷ مدیریت غیر تخصصی هنرستان‌ها را از عوامل بازدارنده موفقیت می‌داند و می‌گوید: «فرایند انتخاب مدیر برای هنرستان‌ها جدا از سایر مدارس نیست. مدیر باید دید فنی داشته باشد. بازار کار را بشناسد و با شناسایی فرصت‌ها بتواند با صنایع محلی برای جذب هنرجویان و مشارکت آن‌ها رایزنی کند». هنرآموز شماره ۹ هم با تأکید بر این موضوع بیان می‌کند: «مدیر هنرستان باید فردی اهل کار و علاقه‌مند به امور فنی باشد. هر زمان مدیری فنی برای این هنرستان انتخاب شده است، شاهد رونق کارگاه‌ها و ارتقای آموزش‌های عملی بوده‌ایم».

۳-۱. فقدان توانمندسازی هنرآموزان: توسعه حرفه‌ای مداوم برای همه معلمان امری لازم و ضروری است. این موضوع برای هنرآموزان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است؛ زیرا تغییرات سریع فناوری و مشاغل در دنیای کار هنرآموزان را مجبور می‌کند تا دانش خود را به‌روز کنند. اما در سال‌های اخیر، برگزاری دوره‌های ضمن خدمت دروس فنی ویژه هنرآموزان ضعیف بوده است. در این خصوص، هنرآموز شماره ۱۱ برای حفظ شأن معلمی برگزاری دوره‌های ضمن خدمت تخصصی را الزامی می‌داند و می‌گوید: «هنرآموزان نیازمند به‌روزرسانی دانش خود هستند. چندین سال است که دوره‌های ضمن خدمت برای هنرآموزان برخی رشته‌ها اجرا نشده است. نمی‌توان از هنرآموز مکانیک انتظار داشت تا برای شناخت موتورهای جدید در کارگاه‌های سطح شهر در کنار هنرجویان خود مشغول به کار شود. برای حفظ شأن معلمی باید دوره‌های ضمن خدمت مستمر برگزار شود». همچنین هنرآموز شماره ۱۴ از اقدام‌های مدیر متخصص برای توانمندسازی هنرآموزان می‌گوید: «مجاب کردن هنرآموزان برای بازدید از یک کارخانه یا تولیدی سخت است. زیرا می‌گویند روزهای تعطیل خودمان را باید به این بازدید اختصاص دهیم و هزینه رفت و برگشت هم بر عهده خودمان است. یکی از راهکارها گرفتن مأموریت برای هنرآموز از اداره و پرداخت سایر هزینه‌ها از طرف هنرستان می‌باشد. بنابراین خود هنرآموز به دنبال ارتقا و توانمندسازی خود می‌رود و تأثیر آن به هنرجویان منتقل خواهد شد».

۴-۱. توزیع نامتوازن رشته‌ها: تمرکز بر روی چند رشته فنی خاص در یک منطقه موجب اشباع آن زمینه شغلی در بازار کار خواهد شد. همچنین، رشته‌هایی که با بازار کار منطقه همسو نباشند، بی‌کاری دانش‌آموختگان را در پی دارد. در این خصوص هنرآموز شماره ۱۲ از دلایل بی‌کاری دانش‌آموختگان هنرستان می‌گوید: «یکی از دلایل بی‌کاری هنرجویان ما، تعداد زیاد آن‌ها در یک رشته خاص در منطقه است. مثلاً هنرستان ما هر سال حدود ۴۰ فارغ‌التحصیل رشته تعمیر موتور خودرو دارد که طبیعتاً برای همه آن‌ها فرصت شغلی فراهم نمی‌شود. بنابراین، باید رشته‌ها هر چند سال تغییر یابند تا بازار از یک رشته خاص اشباع نشود» هنرآموز شماره ۱۱ هم در خصوص اشباع برخی رشته‌ها تأکید می‌کند: «هر رشته فقط به مدت دو تا سه سال قابلیت آموزش نیروی ماهر را دارد. زیرا پس از این مدت جامعه

هدف از نیروی کار ماهر اشباع می‌شود.»

هنرآموز شماره هفت توجه به بومی‌سازی رشته‌ها را مهم می‌داند و بیان می‌کند: «رشته‌هایی کارآمد هستند که تقاضای بازار کار جذابی داشته باشند. از این جهت، ادارات هر شهر باید رشته‌های فن‌وحرفه‌ای خود را بومی‌سازی کنند و طبق نیاز هر منطقه رشته‌ها در هنرستان ارائه شوند.»

۵-۱. فضا و تجهیزات قدیمی: ساختمان هنرستان‌ها به دلیل ماهیت رشته‌های فن‌وی و کارگاهی استانداردهای ویژه‌ای دارند که از فضای مدارس ابتدایی یا متوسطه متمایز است. در حال حاضر از یک سو، برخی هنرستان‌های فن‌وحرفه‌ای در مکان‌هایی مستقرند که قبلاً کاربری ابتدایی یا متوسطه داشته‌اند و از سوی دیگر، تجهیزات کارگاهی هنرستان‌ها در وضعیت مطلوبی قرار ندارد و سرانه ناکافی هنرستان‌ها باعث شده است هنرجویان هنرستان خرید لوازم مصرفی کارگاه‌ها را متقبل شوند. در این زمینه هنرآموز شماره ۳ کاربری مشابه ساختمان‌های آموزشی را دلیل مناسب نبودن فضای فیزیکی هنرستان‌ها می‌داند و بیان می‌کند: «این هنرستان به لحاظ استانداردسازی فضا شرایط مطلوبی ندارد. زیرا قبلاً کاربری مدارس ابتدایی و متوسطه را داشته است. در حالی که ساختمان هنرستان باید تحت نظر کارشناسان فن‌وی با کاربری مشخص ساخته و تجهیز شود.» همچنین هنرآموز شماره ۸ می‌گوید: «ساختمان هنرستان‌ها در کلان‌شهرها معمولاً از شرایط استاندارد برخوردار است. اما در شهرهای کوچک هنرستان‌ها به دلیل بودجه کم مناطق مدیریت غیرتخصصی هنرستان و نبود کارشناسان فن‌وحرفه‌ای در ادارات شرایط استاندارد را ندارد.»

هنرآموز شماره ۴ از تجهیزات قدیمی هنرستان می‌گوید: «امکانات فعلی هنرستان ما مربوط به چهل سال قبل است. هنرجویان به علت استفاده از تجهیزات قدیمی توانایی کار در محیط واقعی و به روز بازار را ندارند. اگر با این تجهیزات قدیمی هنرجویان را آموزش بدهیم، جز اتلاف وقت و هزینه هنرجویان آن کاری انجام نداده‌ایم.» هنرآموز شماره ۹ هم در این زمینه می‌گوید: «تجهیزات کارگاه‌ها اغلب قدیمی هستند. چند موتور خودروی جدید وجود ندارد. هنوز هنرآموزان موتور پیکان را آموزش می‌دهند. در هنرستان سیستم جدید برق خودرو برای آموزش هنرجویان وجود ندارد.» هنرآموز شماره ۱ می‌گوید: «کمبود تجهیزات باعث شده خود هنرجویان وسایل موردنیازشان را مثل سیم‌جوش، کابل، دم‌باریک یا موس و کیبورد تهیه کنند.»

هنرآموز شماره ۱۱ با اشاره به فلسفه تأسیس هنرستان از کمبود تجهیزات می‌گوید: «فلسفه هنرستان مهارت است. ما اگر به روزترین روش‌های تراشکاری را هم به هنرجویان درس بدهیم، اما وقتی دستگاه سی‌ان‌سی^{۱۴} در هنرستان نیست و هنرجو فقط عکس دستگاه را در کتاب می‌بیند هیچ فایده‌ای ندارد.» هنرآموز شماره ۱۷ هم دلیل تردید والدین در ثبت‌نام فرزندانشان را در هنرستان این‌گونه بیان می‌کند: «از دلایلی که والدین از ثبت‌نام فرزندانشان در هنرستان می‌ترسند، کمبود امکانات هنرستان‌هاست. وقتی والدین بچه‌ها را به هنرستان می‌فرستند، متوجه می‌شوند که فرزندشان هم از کنکور جا مانده و هم مهارت و تخصصی کسب نکرده است.»

۱-۶. فقدان حمایت از هنرجویان: هنرجویان برای استفاده از دانش خود در بازار کار نیاز به حمایت‌های مادی و معنوی دارند. برای مثال اعطای وام‌های مناسب، سپردن برخی مشاغل فنی در جامعه فقط به دانش‌آموختگان فنی و حرفه‌ای، برگزاری منظم جشنواره مهارت سالانه برای ایجاد انگیزه و میل به تلاش بیشتر در هنرجویان نمونه‌هایی از حمایت‌های مؤثر از هنرجویان رشته‌های فنی و حرفه‌ای است. در این زمینه هنرآموز شماره ۱۵ بر اهمیت جشنواره مهارت در تشویق هنرجویان تأکید می‌کند: «برای برگزاری منظم جشنواره مهارت برنامه‌ریزی دقیقی صورت نمی‌گیرد. این جشنواره باید دارای تقویم ثابت اجرایی باشد تا موجب تشویق هنرجویان برای آمادگی شرکت در جشنواره شود.» همچنین هنرآموز شماره سه معتقد است: «جشنواره فرصتی است برای استان‌ها تا نیازهایشان را از طریق تعامل با سایر استان‌ها برطرف کنند و اطلاعات لازم را برای دایرکردن رشته‌های جدید به دست آورند.»

هنرآموز شماره ۱۴ در خصوص حمایت از هنرجویان می‌گوید: «سازمان‌ها یا صناعی که کارگر ماهر را جذب می‌کنند باید مهم‌ترین عامل جذبشان دانش‌آموختگی فنی و حرفه‌ای باشد. برای کارگاه‌های زودبازده باید فرد دریافت‌کننده وام مدرک فنی و حرفه‌ای داشته باشد. اگر این شاخص‌ها لحاظ گردد، آموزش‌های فنی و حرفه‌ای جا می‌افتد.» همچنین هنرآموز شماره ۹ در این زمینه می‌گوید: «مثلاً در ساختمان‌سازی بحث شناسنامه فنی مطرح است. اگر قصد حمایت از هنرجویان فنی و حرفه‌ای را داریم، باید شناسنامه را فردی امضا کند که در رشته تأسیسات یا رشته‌های جوش و ساختمان مهارت کسب کرده باشد.» علاوه بر این، هنرآموز شماره ۵ معتقد است: «به خروجی هنرستان‌ها توجهی نمی‌شود. افراد با دو ماه کلاس و دوره در خارج از آموزش و پرورش وام‌های کلان می‌گیرند. اما به دانش‌آموختگان دیپلم فنی و حرفه‌ای وامی تعلق نمی‌گیرد.»

۲. موانع سیاسی

در موانع سیاسی تأثیر سیاست‌گذاری‌های کلان خارج از هنرستان‌ها در اجرای موفق برنامه درسی فنی و حرفه‌ای بررسی و تأکید می‌شود. زیر مقوله‌های موانع سیاسی عبارت‌اند از: موانع قانونی، کمبود منابع مالی، تصمیم‌گیری غیرتخصصی، ارتباط‌نداشتن با بازار کار و نبود پشتیبانی سایر سازمان‌ها. در ادامه درباره هر کدام توضیحاتی ارائه می‌شود.

۱-۲. موانع قانونی: برای فعالیت‌های اقتصادی و خارج از برنامه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای قوانین به‌صراحت بیان نشده است؛ مثلاً برای استفاده از تجهیزات هنرستان، مسائل مربوط به بیمه هنرجویان و هنرآموزان، شرایط برون‌سپاری رشته‌های فنی و شرکت‌های تعاونی هنرستان‌ها قوانین مشخصی تنظیم نشده است. در این زمینه، هنرآموز شماره ۴ می‌گوید: «بحث دیگر مسائل قانونی است که مدیران ضمن اطلاع مجبور هستند آن‌ها را دور بزنند. مثلاً براساس تبصره ۷۵ عوامل هنرستان می‌توانند از امکانات و تجهیزات هنرستان استفاده کنند و درآمد داشته باشند. اما اگر حین کار اتفاقی برای هنرجو یا هنرآموز

رخ بدهد، مسئولیت آن بر دوش مدیر هنرستان خواهد بود.» همچنین هنرآموز شماره ۱۴ از نبود قوانین مشخص برای فعالیت‌های هنرستان می‌گوید: «برای مسائل قانونی باید در وزارتخانه چاره‌اندیشی شود تا بتوانیم کار اقتصادی انجام دهیم. بسیاری از کارهای خدماتی پس از زمان آموزش در هنرستان صورت می‌گیرد و گاهی لازم است هنرجویان به خارج از هنرستان بروند. مثلاً برای نصب تابلو برقی یا نصب ساخته‌های فلزی اگر حادثه‌ای رخ دهد، چه کسی از من حمایت خواهد کرد؟» علاوه بر این، هنرآموز شماره ۱۲ دلایل موفق نشدن شرکت‌های تعاونی در هنرستان را این‌گونه نقل می‌کند: «ایجاد شرکت تعاونی در هنرستان با موانع قانونی مختلفی روبه‌روست. از یک طرف، اداره تعاون اجازه عضویت به معلمان را نمی‌دهد؛ زیرا آن‌ها شاغل هستند. از طرف دیگر، هنرجویان هم به علت سربازی رفتن نمی‌توانند عضو تعاونی هنرستان شوند. این موانع باید برای رونق اقتصادی هنرستان رفع گردد.»

هنرآموز شماره ۶ از محدودیت‌های برون‌سپاری رشته‌ها می‌گوید: «مدیران برای بستن قراردادهای برون‌سپاری محدودیت دارند. مسائل مربوط به ایمنی و بیمه همه باید از طرف وزارت آموزش و پرورش رفع شود.» همچنین هنرآموز شماره ۱۶ در این زمینه می‌گوید: «وزارتخانه تأکید دارد که کارگاه‌های برون‌سپاری در خود هنرستان برگزار شود. به لحاظ تربیتی و نظارت بیشتر بر کیفیت آموزش‌ها فکر خوبی است. اما ایراد بزرگ آن این است که قانون می‌گوید اگر اتفاقی در کارگاه برون‌سپاری رخ دهد، ما هیچ اقدامی از نظر قانونی نمی‌توانیم انجام دهیم. درحالی‌که به راحتی می‌توان با تصویب یک قانون هنرجو و مدرس و عوامل دیگر برون‌سپاری را بیمه کرد.» علاوه بر این، هنرآموز شماره ۴ ضمن تأکید بر مزایای برون‌سپاری می‌گوید: «ماهیت برون‌سپاری خوب است. چون ما توان تهیه همه تجهیزات مورد نیاز رشته‌ها را نداریم. به لحاظ اقتصادی برون‌سپاری هزینه بسیار کمتری بر دوش وزارتخانه می‌گذارد. اگر با فردی با تجربه برای یک سال قرارداد ببندیم، شاید دستمزدش برابر دو سال حقوق یک هنرآموز رسمی باشد. اما وزارتخانه نه هزینه وسایل را داده است و نه نیرو و امکانات.»

۲-۲. کمبود منابع مالی: اختصاص ندادن بودجه کافی و تجهیزات قدیمی هنرستان‌ها کیفیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای را تحت تأثیر قرار داده است. هنرستان‌ها به دلیل سرانه محدود توان به‌روزرسانی تجهیزات قدیمی خود را ندارند و در نتیجه، آموزش‌های فنی همسو با نیازهای بازار کار نیست. از این رو، هنرآموز شماره ۳ کمبود منابع مالی را مانعی برای اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای می‌داند: «در گذشته این هنرستان دارای ماشین و کارپرداز بود که مواد اولیه مورد نیاز کارگاه‌ها را به‌طور روزانه تهیه می‌کرد. آموزش‌ها از کیفیت بالایی برخوردار بود. اما در سال‌های اخیر توازن رشته‌ها با بازار کار به علت اختصاص نیافتن بودجه کافی به هم خورده است. در واقع برنامه آموزش فنی و حرفه‌ای در اجرا به دلیل کمبود منابع دچار مشکلات جدی شده است.» همچنین، هنرآموز شماره ۱۲ در این زمینه معتقد است: «بودجه‌ای که برای هنرستان در نظر می‌گیرند بسیار کم است و امکان تهیه تجهیزات مورد نیاز

هنرستان نیست. هنوز در هنرستان ما از موتور پیکان و جیب برای آموزش استفاده می‌شود». علاوه بر این، هنرآموز شماره ۱۶ با تجهیز کامل هنرستان‌ها مخالف است و بیان می‌کند: «آموزش‌های فنی و حرفه‌ای بار سنگین مالی بر دوش وزارت می‌گذارد. با توجه به شرایط اقتصادی کشور تجهیز هنرستان‌ها برای نظام و وزارت آموزش و پرورش کار درستی نیست؛ بلکه ما باید از امکانات سازمان فنی و حرفه‌ای و همچنین مشاغل محلی برای آموزش‌های فنی و عملی هنرجویان آن استفاده کنیم».

۲-۳. تصمیم‌گیری غیر تخصصی: افراد متخصص و آشنا به موضوع‌های خرد یا کلان آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید در این حوزه تصمیم‌گیری کنند. در این زمینه مصاحبه‌شوندگان به اقدام‌هایی در سال‌های اخیر اشاره کردند که افراد غیر فنی بدون توجه به شرایط و امکانات هنرستان‌ها انجام داده بودند. از این رو، هنرآموز شماره ۱۰ ویرایش جدید کتاب‌ها را بدون در نظر گرفتن امکانات لازم برای اجرا مثال می‌زند و می‌گوید: «خیراً کتاب‌ها نونگاشت شده‌اند. اما برای امکانات و تجهیزات که بستر آموزش هستند فکری نشده است؛ مثلاً کتاب‌های رشته کامپیوتر به روز شده‌اند و این خیلی خوب است. اما کامپیوترهایی که در هنرستان داریم قابلیت نصب نرم‌افزارهای جدید یا ویندوز جدید را ندارند. فقط با نگاه کردن به صفحات کتاب که نمی‌شود آموخت.» همچنین هنرآموز شماره ۶ از حضور نداشتن مدیران هنرستان‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان می‌گوید: «مدیران هنرستان خیلی بیشتر از وزارتخانه در جریان نیازهای جامعه و شهر خود هستند. قبل از هر اقدامی باید از مدیران هنرستان‌ها نظر خواهی شود.» علاوه بر این، هنرآموز شماره ۲ هم به نقش مدیران اشاره می‌کند: «انتخاب رشته‌های دایر در هنرستان و انتخاب هنرآموزها را بر عهده مدیران بگذارند تا مدیر با شناختی که از منطقه خود دارد رشته‌های مناسب به همراه مدرس باسواد و فعال انتخاب کند.»

۲-۴. نداشتن ارتباط با بازار کار: برای ارتقای بازدهی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ارتباط با بازار کار امری ضروری است. حلقه گم‌شده این ارتباط نهاد هماهنگ‌کننده‌ای است که وجود آن موجب ارتباط دوطرفه هنرستان و بازار کار خواهد شد. مصاحبه‌شوندگان به تأثیرات نبود ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی با دنیای کار توجه داشتند. هنرآموز شماره ۴ از نبود اطلاعات دقیق نیازهای بازار کار می‌گوید: «تعداد هنرجویان ثبت‌نامی در یک رشته فنی از هیچ منطقی تبعیت نمی‌کند. بدون در نظر گرفتن نیازهای بازار کار ثبت‌نام انجام می‌شود و نتیجه آن عدم اشتغال هنرجویان است. عکس این قضیه هم وجود دارد. برخی مشاغل محلی به نیروی کار نیاز دارند. اما عدم اطلاع برنامه‌ریزان فنی آموزش و پرورش از این نیازها منجر به عدم توجه به برخی رشته‌ها شده است.» همچنین هنرآموز شماره ۱۴ تأکید می‌کند: «در بسیاری از کشورها تعیین نیازها بر اساس اعلام شرکت‌ها و صنایع بزرگ به واحدهای آموزشی انجام می‌گیرد، اما در کشور ما شرکت‌ها به جای اعلام نیازها به واحدهای آموزشی خودشان برای تربیت نیروی کار برنامه‌ریزی می‌کنند و نظام آموزشی مخصوص به خود دارند.» علاوه بر این، هنرآموز شماره یک اعلام

نیازها را وظیفه شورای اشتغال می‌داند: «شورای اشتغال باید نیازهای پنج تا ده‌ساله منطقه را اعلام کند تا آموزش و پرورش برای توسعه رشته‌ها برنامه‌ریزی مناسب را انجام دهد.» هنرآموز شماره ۶ از انتظارات برای مشارکت صنایع می‌گوید: «این انتظار وجود دارد که دستگاه‌های مختلف کشور با متولی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مشارکت کنند. وقتی از مشارکت صحبت می‌کنیم، یعنی دو دستگاه باید با هم شریک باشند و برای یکدیگر حق تصمیم‌گیری قائل باشند.»

هنرآموز شماره ۴ دلیل نبود ارتباط بین آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با بازار کار را در نبود نهاد هماهنگ‌کننده می‌داند و بیان می‌کند: «میان نظام آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی و بازار کار نهاد هماهنگ‌کننده‌ای نیست. این نهاد می‌تواند از یک طرف، نیازهای بازار کار را به آموزش و پرورش اعلام کند و از طرف دیگر، زمینه را برای جذب هنرجویان در مشاغل فراهم نماید.» هنرآموز شماره ۱۱ از دیگر مزایای نهاد هماهنگ‌کننده می‌گوید: «نهاد یا دستگاه هماهنگ‌کننده وظیفه دستگاه‌های مختلف را روشن می‌کند تا هر دستگاهی در حوزه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وظایف خود را بشناسد.» هنرآموز شماره ۱۶ به نادیده گرفتن طرح هنرستان‌های جوار اشاره می‌کند و می‌گوید: «در اوایل دهه هفتاد بحث هنرستان‌های جوار مطرح شد. اما سال‌های بعد برنامه‌ریزی جدی برای آن انجام نگرفت. قرار بود هنرستان‌ها کنار کارخانه‌ها و شرکت‌های بزرگ احداث شوند تا علاوه بر ارتباط مؤثر هنرستان‌ها با صنعت این امر انگیزه هنرجویان را افزایش دهد. ای کاش به این طرح توجه بیشتری می‌شد.»

۲-۵. نبود پشتیبانی سایر سازمان‌ها: از دلایل موفق نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فقدان نگرش نظام‌مند میان سازمان‌های دولتی و خصوصی است. سازمان‌هایی که از دانش‌آموختگان رشته‌های فنی و حرفه‌ای بهره خواهند برد باید از برنامه‌های فنی و حرفه‌ای پشتیبانی مؤثری کنند. هنرآموز شماره ۹ در خصوص حمایت‌های ضروری سایر سازمان‌ها می‌گوید: «اگر در هنرستان هنرجوی کشاورزی تربیت کنیم، منافع آن نصیب سازمان کشاورزی خواهد شد. بنابراین، باید سازمان کشاورزی از هنرستان‌های کشاورزی ما پشتیبانی کند. همچنین، اداره کل صنایع باید احساس مسئولیت کند و از رشته‌های فنی مهندسی هنرستان حمایت نماید. زیرا هنرجویان این رشته‌ها وارد آن بخش خواهند شد.» همچنین هنرآموز شماره ۱۸ در این زمینه معتقد است: «نظام آموزشی ما در زمینه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای به یک دگرگونی اساسی نیاز دارد و در این مسیر کمک سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی ضروری است.» هنرآموز شماره ۱۳ از الزامی بودن پشتیبانی سازمان فنی و حرفه‌ای می‌گوید: «سازمان فنی و حرفه‌ای که زیر نظر وزارت کار و امور اجتماعی است، براساس قانون باید در زمینه آموزش‌های مهارتی همیار آموزش و پرورش باشد. اما متأسفانه به شکل مطلوبی به آن عمل نمی‌شود.» هنرآموز شماره ۱۱ دلیل موفق نبودن هنرستان‌ها را فقدان نگرش نظام‌مند می‌داند: «در بحث آموزش‌های فنی و حرفه‌ای فقدان نگرش سیستمی وجود دارد. آموزش و پرورش قادر نیست به‌تنهایی نگرش سایر دستگاه‌ها را تغییر دهد.»

۳. موانع فرهنگی

در مقوله موانع فرهنگی مسائل مرتبط با فرهنگ جامعه و خانواده بررسی می‌شود که موجب نگرش منفی به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای شده است. این موانع شامل فقدان بستر سازی فرهنگی و نگرش منفی است.

۳-۱. فقدان بستر سازی فرهنگی: در جامعه امروز فرهنگ کار و تلاش دیگر ارزشمند نیست. آنچه امروز برای خانواده‌ها ارزش قلمداد می‌شود تحصیلات دانشگاهی است، نه کسب مهارت که لازمه پذیرش شغل در جامعه است. همچنین، از ظرفیت‌های موجود مانند رسانه ملی برای فرهنگ سازی ارزش کار به درستی استفاده نمی‌شود. در این زمینه هنرآموز شماره ۱۶ از تفاوت دیدگاه نسل امروز به موضوع کار کردن می‌گوید: «در گذشته بچه‌ها در حرفه‌های مختلف کار می‌کردند. مثلاً در نجاری، نانواپی، آهنگری و... اما نسل امروز اغلب کار کردن را عار و ننگ می‌دانند.» همچنین هنرآموز شماره ۲ خانواده‌ها را عامل این موضوع می‌داند: «خانواده‌ها بچه‌ها را به سمت درس خواندن هل می‌دهند تا زمانی که مدرکی بگیرند. اما وقتی وارد جامعه می‌شوند غیر از مدرک هیچ کاری بلد نیستند.» هنرآموز شماره ۱۱ به نقش رسانه در باز تولید نگاه محدود به کار و تلاش تأکید می‌کند: «یکی از عوامل ریشه‌ای عدم موفقیت آموزش‌های فنی و حرفه‌ای ضعف در فرهنگ کار است. علاوه بر خانواده، رسانه نیز نگاه نامناسب به کار و فعالیت یدی را باز تولید می‌کند. در تلویزیون نشان داده می‌شود که افراد طبقات محروم جامعه فقط کار می‌کنند و افراد بالاترین مشاغل پشت میزی دارند. در برنامه‌های کودک و نوجوان هم در زمینه ارزش کار و تلاش فرهنگ سازی نمی‌شود. تأکید این برنامه‌ها هم تنها بر درس خواندن صرف است.»

هنرآموز شماره ۱۵ از بی توجهی به ظرفیت‌های رسانه ملی برای فرهنگ سازی ارزش کار می‌گوید: «از ظرفیت رسانه ملی برای فرهنگ سازی ارزش کار و روی آوردن به رشته‌های فنی و حرفه‌ای استفاده نمی‌شود. باید از این ظرفیت برای تغییر نگرش خانواده‌ها بهره برد. در حالی که رسانه ملی پر شده است از تبلیغات مؤسسات مختلف کنکور. معرفی رشته‌ها در برنامه‌های تخصصی می‌تواند در گرایش نوجوانان به رشته‌های فنی بسیار مؤثر باشد.» علاوه بر این، هنرآموز شماره ۷ به برداشت غلط خانواده‌ها از هنرستان‌ها اشاره می‌کند: «اطلاعات واضحی از شرایط و رشته‌های هنرستان‌های شهر در اختیار خانواده‌ها نیست. والدین یکی از دانش‌آموزان ما می‌گفت مشاور مدرسه هنگام انتخاب رشته تحصیلی اظهار کرده که هنرستان شبیه نهضت است. این برداشت برخی خانواده‌ها از هنرستان‌هاست.»

۳-۲. نگرش منفی: یکی از مهم‌ترین موانع گسترش آموزش‌های فنی و حرفه‌ای وجود نگرش منفی به این آموزش‌ها در جامعه و خانواده‌هاست. برخی والدین گمان می‌کنند که تحصیل فرزندشان در رشته‌های فنی و حرفه‌ای نشانه ضعف و ناتوانی آن‌ها در تحصیل رشته‌های نظری است. علاوه بر خانواده، این نگرش منفی در میان مسئولان آموزش و پرورش نیز وجود دارد و گاهی عاملی بازدارنده در هدایت دانش‌آموزان به هنرستان‌هاست. در این زمینه هنرآموز شماره شش از نگرش منفی جامعه و خانواده به آموزش‌های

فنی و حرفه‌ای می‌گوید: «دانش‌آموزی که قصد دارد وارد هنرستان شود در جامعه او را به‌عنوان فردی کم‌استعداد می‌شناسند و ارزشی برای انتخاب او قائل نیستند. هنوز این تفکر در جامعه و خانواده‌ها حاکم است که هر فردی به رشته تجربی می‌رود حتماً دانش‌آموز باهوش و فعال است. حتی گاهی مشاهده می‌شود که مانع از ورود دانش‌آموز علاقه‌مند به هنرستان می‌شوند.» همچنین هنرآموز شماره ۴ دربارهٔ اعتمادنداشتن خانواده‌ها معتقد است: «خانواده‌ها به آموزش‌های هنرستانی اعتماد ندارند. خانواده باید احساس کند که فرزندشان در هنرستان توانمندی‌های اشتغال را پیدا می‌کند و خیلی زودتر می‌تواند در کسب درآمد موفق گردد. کارنامه موفق هنرستان در میزان جذب هنرجویان در بازار کار می‌تواند برای خانواده‌ها دلگرم‌کننده باشد.»

هنرآموز شماره ۱۲ معتقد است نگاه آموزش و پرورش هم به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای باید تغییر کند: «متأسفانه آموزش و پرورش اعلام می‌کند که هر دانش‌آموزی نمره سایر رشته‌ها را کسب نکرد، او را به هنرستان بفرستید! نگرش خود آموزش و پرورش را باید تغییر داد. چند درصد از مسئولین راضی هستند که فرزندشان به هنرستان برود؟ به‌عنوان متولی امر باید به کاری که انجام می‌دهیم ایمان داشته باشیم.» هنرآموز شماره یک در خصوص نگاه منفی معلمان می‌گوید: «قبل از تغییر نگرش دانش‌آموزان نگاه معلمان باید نسبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای تغییر یابد. از وظایف سرگروه‌های آموزشی است که این تغییر نگرش را با ارائه اطلاعات واضح و معنادار در معلمان شکل دهند.» همچنین هنرآموز شماره ۱۰ در این زمینه می‌گوید: «متأسفانه برخی معلمان در مقطع متوسطه اول نگاه مثبتی به رشته‌های هنرستان ندارند و این نگرش منفی را به دانش‌آموزان منتقل می‌کنند.» هنرآموز شماره شش بر حضور مشاوران در مقطع متوسطه اول تأکید می‌کند: «انتخاب رشته در پایه نهم مقطع متوسطه اول انجام می‌گیرد. بنابراین، سرگروه‌های فنی و حرفه‌ای باید به مدارس متوسطه اول بروند و دربارهٔ رشته‌های فنی و آینده شغلی آن‌ها برای دانش‌آموزان صحبت کنند. آگاهی و علاقه‌مندی دانش‌آموزان به رشته‌های فنی در فرایند انتخاب رشته به آن‌ها کمک خواهد کرد.» همچنین هنرآموز شماره ۱۶ معرفی کارآفرینان برتر را در جذب دانش‌آموزان به رشته‌های فنی هنرستان مثبت ارزیابی می‌کند: «از کارآفرینان موفق باید تقاضا کنیم تا در هنرستان برای هنرجویان سخنرانی کنند و یا هنرجویان را به کارخانه‌ها و نمایشگاه‌های مطرح ببریم تا با کارآفرینان گفتگو داشته باشند. از این طریق امید را در هنرجویان زنده ساخته‌ایم.»

نتیجه‌گیری

این پژوهش با هدف شناسایی موانع اجرای موفق برنامه درسی آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی انجام شد. هنرآموزانی که بیش از دو دهه در هنرستان‌های کشور تدریس کرده‌اند از تجربه‌های خود در این سال‌ها گفتند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد مهم‌ترین موانع مرتبط با اجرای موفق برنامه درسی

آموزش فنی و حرفه‌ای رسمی در سه مضمون اصلی (موانع فنی و سیاسی و فرهنگی) تفکیک پذیر است که هریک از این موانع سه‌گانه زیرمجموعه‌های خاص خود را دارند. از این رو، در مقوله موانع فنی به مشکلات و مسائل درون هنرستان‌ها توجه می‌شود. همچنین در مقوله موانع سیاسی به مسائل برون‌مدرسه‌ای مرتبط با سیاست‌گذاری‌های کلان و در موانع فرهنگی به دیدگاه جامعه و خانواده به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در هنرستان‌ها توجه و تأکید می‌شود.

در این پژوهش، موانع فنی که مانع اجرای موفق برنامه درسی فنی و حرفه‌ای رسمی شناخته و تأیید شد عبارت‌اند از: هدایت تحصیلی نامناسب، کمبود نیروی انسانی متخصص، فقدان توانمندسازی هنرآموزان، توزیع نامتوازن رشته‌ها، فضا و تجهیزات قدیمی، فقدان حمایت از هنرجویان. نتایج برخی مطالعات مؤید این یافته‌هاست (قهرمان، ۱۳۸۹؛ شریعت‌زاده، ۱۳۹۱؛ شریعتی و همکاران، ۱۳۹۸). هنرآموزان در گفته‌های خود فرایند هدایت تحصیلی فعلی را مناسب نمی‌دانستند. در حال حاضر، انتخاب رشته در مقطع متوسطه دوم و در پایه نهم متوسطه اول انجام می‌شود و ملاک انتخاب رشته‌ها نه علاقه‌مندی و توانایی دانش‌آموزان، بلکه فقط نمره معدل آن‌هاست. این فرایند اشتباه انتخاب رشته برای دانش‌آموزان با معدل کم گزینه‌ای جز انتخاب هنرستان باقی نمی‌گذارد که به تبع آن سرخوردگی و دل‌زدگی از رشته‌های فنی را در دانش‌آموزان هنرستانی به دنبال دارد. علاوه بر این، انتخاب رشته فنی در خود هنرستان نیز مزید بر علت شده است. محدودیت‌ها و امکانات هنرستان امکان انتخاب رشته آزادانه را به دانش‌آموزان نمی‌دهند و به اجبار به رشته‌ای می‌روند که ظرفیت خالی داشته باشد.

برخی از مصاحبه‌شوندگان به کمبود هنرآموز و استفاده از مدیران غیرفنی اشاره کردند. کمبود نیروی انسانی مسئله‌ای است که کل نظام آموزشی ایران با آن روبه‌روست، اما این موضوع در هنرستان‌ها حادث‌تر است. هنرستان‌ها به لحاظ ماهیت فنی خود نیاز به هنرآموزان تخصصی در تدریس دارند، اما به علت نبود نیرو، در بعضی کارگاه‌ها معلم‌های غیرفنی تدریس می‌کنند. همچنین انتصاب مدیران برای هنرستان‌ها براساس شایستگی و تخصص در زمینه‌های فنی انجام نمی‌شود. نگاه غیرفنی مدیر موجب هدررفتن هزینه‌ها و برنامه‌ریزی‌ها در هنرستان می‌شود. همچنین سرعت فناوری و تغییرات سریع در مشاغل فنی برگزاری دوره‌های ضمن خدمت را برای هنرآموزان الزامی می‌کند. هنرآموزان معتقد بودند در برخی رشته‌ها سال‌هاست دوره‌های تخصصی برگزار نشده و دانش آن‌ها در حد همان تحصیلات

دانشگاهی است. از جمله مسائل دیگر در موفق نبودن آموزش‌های فنی و حرفه‌ای، اشباع رشته‌ها در یک منطقه خاص است. به پیشنهاد هنرآموزان نباید بیشتر از دو تا سه سال در یک رشته فنی هنرجو پذیرفت؛ زیرا این رشته در بازار کار اشباع می‌شود و نتیجه آن بی‌کاری هنرجویان خواهد بود. علاوه بر این، توجه به بومی‌سازی رشته‌ها احتمال جذب هنرجویان را در بازار کار افزایش خواهد داد. از دیگر موانع موفقیت هنرستان‌ها فضا و ساختمان‌های نامناسب است. برخی هنرستان‌ها در مکان‌هایی مستقرند که قبلاً کاربری مقطع ابتدایی یا متوسطه را داشته و تجهیزات آن قدیمی و گاهی مربوط به چند دهه قبل است.

یکی دیگر از موانع اثرگذار بر اجرای موفق برنامه درسی فنی و حرفه‌ای، که در این پژوهش مشخص شد، موانع سیاسی یا موانع برون‌مدرسه‌ای است. این موانع بدین قرارند: موانع قانونی، کمبود منابع مالی، تصمیم‌گیری غیرتخصصی، نبود ارتباط با بازار کار و نبود پشتیبانی سایر سازمان‌ها. برخی پژوهش‌ها با این یافته پژوهشی هم‌خوان است (شریعت‌زاده، ۱۳۹۱؛ انصاری پور، ۱۳۹۳؛ کاووسی، ۱۳۹۶؛ هابرت‌ایسر، ۲۰۱۲). علاوه بر این، هنرآموزان به عوامل بازدارنده اجرای فعالیت‌های اقتصادی در هنرستان اشاره کردند؛ بدین معنی که بحث تولید همراه با آموزش در هنرستان‌ها مدتی مطرح شد، اما از این طرح چندان حمایت نشد. برای مثال، نمونه‌ای از فعالیت‌های اقتصادی راه‌اندازی شرکت‌های تعاونی است که با موانع جدی روبه‌روست. به گونه‌ای که هنرآموزان به علت استخدام رسمی و هنرجویان به دلیل نداشتن کارت پایان خدمت نمی‌توانند عضو تعاونی‌ها شوند. همچنین از دیگر موانع قانونی در هنرستان‌ها موضوع برون‌سپاری است. به نظر نویسنده برون‌سپاری برای هنرستان‌های کم‌برخوردار به لحاظ اقتصادی طرح خوبی است؛ زیرا تجهیز کارگاه‌های هنرستان هزینه‌بر است و در صورت بروز هر حادثه‌ای برای هنرجو مسئولیت آن بر عهده عوامل هنرستان خواهد بود. از این رو، بحث ایمنی و بیمه هنرجویان و هنرآموزان برون‌سپاری باید مرتفع شود تا هنرجویان از منافع آن بهره‌مند شوند. از دیگر موانع سیاسی، که هنرآموزان بر آن تأکید داشتند، اختصاص بودجه ناکافی برای هنرستان‌هاست. به گونه‌ای که علاوه بر سرائه معمول برای مدارس باید بودجه اضافی برای تجهیز هنرستان‌ها تخصیص داده شود؛ زیرا برای خرید تجهیزات و لوازم کار به منابع مالی بیشتری نیاز است. تصمیم‌های غیرتخصصی مانند نونگاشت کردن کتاب‌ها بدون در نظر گرفتن زیرساخت‌های هنرستان برای اجرای دقیق برنامه‌ها جز سردرگمی و اتلاف وقت هنرجو و هنرآموز فایده‌ای نخواهد داشت. بنابراین، حضور

مدیران هنرستان‌ها در تصمیم‌گیری‌های کلان برای آموزش‌های فنی و حرفه‌ای امری ضروری است؛ زیرا مدیران بهترین شناخت را از وضعیت فعلی هنرستان‌ها دارند. یکی از مهم‌ترین موانع اجرای موفق برنامه‌ی درسی آموزش فنی و حرفه‌ای، که هنرآموزان بر آن تأکید فراوان کردند، نداشتن ارتباط هنرستان با بازار کار است. به نظر می‌رسد جای خالی نهادی هماهنگ‌کننده، که آموزش‌های هنرستانی را با نیازهای بازار کار پیوند دهد، در نظام آموزشی احساس می‌شود. نهادی که از یک سو آموزش‌های فنی و حرفه‌ای هنرستان را همسو با نیازهای واقعی بازار کار کند و از سوی دیگر باعث جذب هنرجویان در بازار کار شود. افزون‌براین، حمایت سایر سازمان‌های دولتی و خصوصی از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی مطلوب نیست و باید نگرش نظام‌مندی در این زمینه جریان یابد. گفتنی است اداره‌ی کل صنایع که از هنرجویان فنی استفاده خواهد کرد یا سازمان کشاورزی که از هنرجویان رشته‌های کشاورزی نفع خواهد برد، باید از آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در هنرستان‌ها پشتیبانی مطلوبی کنند.

در نهایت، در موانع فرهنگی‌ای که در این تحقیق مشخص شد به تأثیر فقدان بسترسازی فرهنگی و نگرش منفی در آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی تأکید شد. این یافته‌ی پژوهشی با نتایج برخی تحقیقات همسوست (شریعتی و همکاران، ۱۳۹۸؛ تیتاس و اکورافور، ۲۰۱۲). به نظر نویسنده، مهم‌ترین مانع سد راه موفقیت برنامه‌ی درسی فنی و حرفه‌ای مسائل فرهنگی است؛ به گونه‌ای که درباره‌ی آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در جامعه و خانواده و حتی مسئولان آموزش و پرورش نگرش منفی وجود دارد. فرهنگ کار و تلاش در جامعه ضعیف است و این تفکر حاکم است که فقط طبقات ضعیف و محروم باید کار کنند. تصور خانواده‌ها این است که دانش‌آموزان با موقعیت اقتصادی - اجتماعی ضعیف به هنرستان‌ها می‌روند و خانواده‌هایی با تمکن مالی سعی می‌کنند فرزندشان در رشته‌های نظری ادامه‌ی تحصیل دهد. این نبود اعتماد در متولیان امر آموزش فنی و حرفه‌ای نیز نمایان است و نه فقط هیچ مسئولی فرزند خود را به هنرستان نمی‌فرستد، بلکه مانع از حضور دانش‌آموزان علاقه‌مند به رشته‌های فنی نیز می‌شوند. فرهنگ‌سازی در این زمینه و تغییر نگرش به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای در مدت یکی دو سال محقق نمی‌شود و به حمایت همه‌ی سازمان‌ها از جمله رسانه‌ی ملی نیاز است.

در مجموع پیشنهاد‌های زیر برای رفع موانع اجرای موفق برنامه‌ی درسی فنی و حرفه‌ای رسمی ارائه می‌شود:

۱. توجه به علایق و توانمندی‌های دانش‌آموزان در فرایند هدایت تحصیلی؛
 ۲. برگزاری دوره‌های ضمن خدمت مستمر برای هنرآموزان؛
 ۳. جلوگیری از اشباع رشته‌های فنی در مناطق؛
 ۴. اختصاص منابع مالی اضافی برای هنرستان‌ها؛
 ۵. حمایت از مشارکت بخش خصوصی؛
 ۶. به‌روز کردن تجهیزات کارگاهی در هنرستان‌ها؛
 ۷. پشتیبانی از هنرجویان برای اشتغال پس از تحصیل؛
 ۸. ارتباط آموزش‌های فنی و حرفه‌ای رسمی با بازار کار؛
 ۹. رفع موانع قانونی برون‌سپاری رشته‌های فنی و حرفه‌ای؛
 ۱۰. پیدایش نگرش مثبت به آموزش‌های فنی و حرفه‌ای از طریق رسانه‌های جمعی.
- در نهایت، با شناخت مسائل و موانع اجرای برنامه درسی فنی و حرفه‌ای رسمی امید است با هم‌اندیشی و استفاده از نیروهای تخصصی در سیاست‌گذاری‌ها و رفع کمبودها و همچنین بسترسازی فرهنگی شاهد رونق مزیت‌های آموزش‌های فنی و حرفه‌ای مانند رشد اقتصادی و کاهش نرخ بی‌کاری در جامعه باشیم.

منابع REFERENCES

- امامی، محمدرضا و سعیدی، معصومه سادات. (۱۳۸۶). نقش و اهمیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در توسعه خوداشتغالی و کارآفرینی. *مجله کار و جامعه*، ۲۰(۲)، ۳۲-۴۰.
- انصاری پور، مجتبی. (۱۳۹۳). نظام آموزش فنی‌وحرفه‌ای موفق. *فصلنامه رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای*، ۲۰(۲)، ۴۰-۴۳.
- جلیلیان، سهیلا، مهرعلیزاده، دیناله و مرعشی، سیدمنصور. (۱۳۹۶). بررسی میزان انطباق آموزش‌های فنی و حرفه‌ای با نیازهای آموزشی بخش صنایع در شهرستان خرمشهر. *فصلنامه رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۱۸(۱)، ۱۳۱-۱۴۹.
- حسینی، سیدحسین. (۱۳۸۶). *بررسی کارایی درونی و بیرونی آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای در استان فارس*. سازمان آموزش و پرورش استان فارس.
- دانایی فرد، حسن، الوانی، سیدمهدی و آذر، عادل. (۱۳۹۸). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. *نشر صفار*.
- رضازاده، مهدی. (۱۳۸۶). *شناسایی موانع مشارکت بخش خصوصی در فعالیتهای آموزش فنی‌وحرفه‌ای آموزش و پرورش استان خوزستان*. سازمان آموزش و پرورش استان خوزستان.
- شریعت‌زاده، مهدی. (۱۳۹۱). چالش‌ها و نارسائی‌های ناظر بر گذار دانش‌آموزان از مدرسه به بازار کار در ایران. *تعلیم‌وپروریت*، ۲۸(۱)، ۱۲۹-۱۴۷.
- شریعتی، فرهاد، امین‌بیدختی، علی‌اکبر و نجفی، محمود. (۱۳۹۸). ارائه مدلی جهت بهبود کیفیت آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای: با توجه به الزامات اقتصاد مبتنی بر دانش. *پژوهش در نظام‌های آموزشی*، ۱۳(۴)، ۴۱-۵۴.
- شریف‌زاده، محمد. (۱۳۹۲). توسعه اقتصادی با چرخ آموزش. *فصلنامه رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش*، ۹(۳)، ۱۱-۱۶.
- عبداللهی، حسین. (۱۳۹۵). ارزیابی سازوکارهای تجربه‌شده برقراری ارتباط بین آموزش فنی‌وحرفه‌ای رسمی و بازار کار در ایران. *پژوهش در برنامه‌ریزی درسی*، ۱۳(۱)، ۱۵۲-۱۶۷.
- قهرمان، آرش. (۱۳۸۹). *بررسی وضعیت موجود هنرستان‌های فنی‌وحرفه‌ای و کاردانش و مقایسه آن با استانداردها در استان خراسان رضوی*. سازمان آموزش و پرورش استان خراسان رضوی.
- کلووسی، رضا. (۱۳۹۶). فرصت‌ها و تهدیدها در آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای. *فصلنامه رشد آموزش فنی‌وحرفه‌ای*، ۲۰(۲)، ۲۵-۳۲.
- گال، مردیت، بورگ، والتر و گال، جویس. (۱۳۹۶). *روش‌های تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی* (جلد اول، ترجمه احمد رضانصر و همکاران). انتشارات سمت و دانشگاه شهید بهشتی.
- متین، نعمت‌الله. (۱۳۸۹). *بررسی کارایی بیرونی رشته‌های حسابداری و کامپیوتر شاخه کاردانش در شهر تهران*. سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش و پرورش.
- مرجانی، بهناز. (۱۳۷۳). *سیر تکوینی آموزش فنی‌وحرفه‌ای در ایران*. معاونت آموزش فنی‌وحرفه‌ای وزارت آموزش و پرورش.
- نفیسی، عبدالحسین. (۱۳۹۰). *بررسی چگونگی و میزان ارتباط آموزش‌های فنی‌وحرفه‌ای رسمی با محیط کار و مهارت‌های شغلی*. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.
- نویدی، احد. (۱۳۸۸). *بررسی واکنش‌ها و دیدگاه‌های گروه‌های ذی‌نفع نسبت به برنامه آموزش‌های مهارتی شاخه کاردانش در شهر تهران*. پژوهشگاه مطالعات آموزش و پرورش.

■ Brown, J. (2019). *Integrating vocational education and training for secondary school students*. Australian Council for Educational Research. <https://research.acer.edu.au/nswcurriculumreview/2/>

■ Clarke, K. (2012). *Entry to vocations: the efficacy of VET in Schools*. NCVER, Adelaide.

■ Hubert Esser, F. (2012). *key success factors of german TVET-Cooperation with business community*. Bonn, Federal Institute for Vocational Education and Training.

■ Husserl, E. (1970). *The idea of phenomenology*. Nijhoff.

■ Lincoln, Y., & Guba, E. (1985). *Naturalistic inquiry*. Sage publication.

- Morrow, R., Rodriguez, A., & King, N. (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The psychologist*, 28(8), 643-644.
- Polesel, J., Gillis, S., Leahy, M., Guthrie, H., Klatt, G., Suryani, A., & Firth, J. (2019). *A report for the NSW Department of Education on vocational education and training delivered to secondary students*. Centre for Education Statistics and Evaluation, NSW Department of Education. <http://hdl.handle.net/11343/269255>.
- Russo, G., Serafini, M., & Ranieri, A. (2019). Attractiveness is in the eye of the beholder. *Empirical Research in Vocational Education and Training*, 11, Article 7. <https://doi.org/10.1186/s40461-019-0082-2>
- Titus, I., & Okorafor, A. O. (2012). New approaches to the development of technical, vocational education and training (TVET) curriculum for improved labour productivity. *International Journal of Educational Research*, 12(1), 101-108.

پی‌نوشت‌ها

۱. به دانش‌آموز مشغول به تحصیل در هنرستان هنرجو و به معلم فنی هنرآموز اطلاق می‌شود.

2. Knowledge - Worker
3. Hubert Esser
4. Titus & Okorafor
5. Clarke
6. Polesel
7. Brown
8. Edmund Husserl
9. Gall

10. MAXQDA
11. Colaizzi
12. Morrow
13. Reliability
14. Validity
15. Lincoln & Guba
16. Credibility
17. Dependability
18. CNC